

رابطه بین بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سرمایه با مدیریت سود تعهدی با تاکید بر اندازه هیئت مدیره

نوع مقاله: پژوهشی

احد لطفی^۱
غلامرضا پسیان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱۷

اریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سرمایه با مدیریت سود تعهدی با تاکید بر اندازه هیئت مدیره می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع هدف، کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-همبستگی است. دوره زمانی پژوهش، ۱۳۹۴-۱۳۹۹ بوده است. همچنین جامعه آماری تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که، ۱۴۹ شرکت به‌عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک انتخاب شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، از مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره در نرم‌افزار **Eves ۱۰** استفاده شده است. جمع آوری اطلاعات و داده‌ها به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده و برای آزمون نرمال بودن متغیر پاسخ از آزمون چارک برا در بخش آمارتوصیفی، برای آزمون معنی‌داری کل معادله رگرسیون از آزمون F و برای آزمون معنی‌داری ضرایب از آزمون t استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سهام و مدیریت سود تعهدی تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد. و اندازه هیئت‌مدیره، شدت تأثیر بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود تعهدی را تعدیل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، اندازه هیئت مدیره، بیش ارزش‌گذاری حقوق بالای سرمایه
طبقه بندی JEL: G12, G34, G11

۱ دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)
Ahadlotfi43@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری گروه مدیریت صنعتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران
Pesyan4504@gmail.cim

مقدمه و بیان مسئله

از آنجایی که وجوه نقد حاصل از عملیات، کمتر مورد دست‌کاری و اعمال‌نظر مدیریت می‌تواند قرار گیرد، مدیریت سود، از طریق اقلام تعهدی اختیاری صورت خواهد گرفت. نسبت قیمت به سود هر سهم بالا در شرکت‌های مذکور، نشان‌دهنده خوش‌بینی بازار نسبت به رشد خوب شرکت در آینده است. به عبارتی، سرمایه‌گذاران با تصور عملکرد بهتر شرکت در آینده، اقدام به ارزیابی بیش‌ازحد سهام و اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند و نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاران در انتظار تکرار فرصت‌های کنونی در آینده هستند؛ بنابراین، به امید بازده بالا در آینده، اقدام به خرید سهام می‌نمایند. (عظیمی فر و ودیعی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر از نسبت P/E به عنوان مبنای برای ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سهام استفاده گردیده است؛ که این نسبت معیاری از ارزش‌گذاری، مبتنی بر بازار سرمایه است. بدین‌صورت که شرکت‌هایی که در پایان سال مالی گذشته دارای نسبت قیمت به سود هر سهم بالایی بوده‌اند، در گروه شرکت‌های بیش ارزش‌گذاری شده، طبقه‌بندی شده‌اند. جنسن (۲۰۰۵) استدلال می‌کند زمانی که شرکتی دارای ارزش بیش‌ازحد بشود، یعنی قیمت شرکت بیش از ارزش اقتصادی اصلی‌اش بشود، مدیران ترغیب (مایل) به تداوم بخشیدن به ارزش‌گذاری بیش‌ازحد (افراطی) می‌شوند که در اصل با استدلال‌های رناس و کبولا^۱ (۲۰۰۵) سازگار هستند، زیرا شرکت بیش ارزش‌گذاری شده بر اساس تعریف، فاقد توانایی عملیاتی (عملکردی) برای دستیابی به سطوح عملکردی است که در قیمت آن انعکاس می‌یابد و مدیران به استفاده از سیاست‌های حسابداری برای به حداکثر رساندن سود ترغیب می‌شوند. منظور از سیاست‌های حسابداری عبارت است از فرایند انجام اقدامات عمومی در محدوده اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری که سبب رسیدن به سطح سود موردنظر می‌شود (آلیجیفری^۲، ۲۰۰۷). اگرچه گزینه‌های انتخابی فراوانی برای دستیابی به اهداف مدیریتی سود ها وجود دارد، اما اقلام تعهدی گزینه انتخابی ویژه و جذابی هستند زیرا مقادیر آن‌ها مستلزم برآوردها و ارزیابی‌های آینده‌نگرانه می‌باشند که بر اساس آن‌ها مدیران دارای اختیارات قابل‌توجهی هستند. در پژوهشی که اخیراً صورت گرفته است، هومز و اسکانتز^۳ (۲۰۱۰)، تأیید می‌کنند که انگیزه‌های مربوط به حقوق صاحبان سهام بیش ارزش‌گذاری شده، مدیران را به حمایت از ارزش‌گذاری‌های بیش‌ازحد با استفاده از اقلام

1. Renas and Cebula
2. Aljifri
3. Houmes & Skantz

تعهدی اختیاری جهت مدیریت بهتر و کارآمدتر درآمدها، ترغیب می‌کنند (هومز^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). اقلام تعهدی به دودسته عادی (منتظره یا غیر اختیاری) و غیرعادی (غیرمنتظره یا اختیاری) تقسیم می‌شوند. از آنجاکه اقلام تعهدی غیرعادی، در اختیار مدیریت و قابل اعمال نظر توسط مدیریت هست، از این اقلام به عنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می‌شود. اقلام تعهدی غیرعادی اقلامی هستند که مدیریت می‌تواند آن‌ها را کنترل کرده و می‌تواند مدیریت بر آن‌ها کنترل داشته و می‌تواند آن‌ها را به تأخیر بیندازد، حذف کند و یا در ثبت و شناسایی آن‌ها را تسریع کند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۰). هرچه تعداد اعضای مستقل هیئت‌مدیره در ترکیب هیئت‌مدیره بیشتر باشد، عملکرد شرکت بهتر خواهد بود؛ نتیجه‌ای که محققانی همچون دونالد سون و دیویس^۲ (۱۹۹۱) خلاف آن را به تأیید رسانده‌اند. به‌طور معمول هیئت‌مدیره‌ای که تعداد مدیران غیرموظف آن بیشتر است، تصویر مثبتی از استقلال و مسئولیت پاسخگویی را برای سهامداران تداعی می‌کند و حصول اطمینان از رعایت ویژگی‌های حاکمیت شرکتی را نیز افزایش می‌دهد، در نتیجه، انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره بیشتر است، اجتناب مالیاتی نیز کمتر باشد و ارزش شرکت بهبود یابد (ناظمی و پورعنقا، ۱۳۹۷).

با توجه به مطالب فوق، تحقیق حاضر درصدد بررسی رابطه بین بیش ارزش گذاری حقوق صاحبان سرمایه با مدیریت سود تعهدی با تاکید بر اندازه هیئت مدیره هست.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود

اقلام تعهدی، به دودسته تقسیم می‌شوند، آن دسته از اقلامی را که در مدل تجاری شرکت‌ها و محیط عملیاتی آن‌ها به وجود می‌آید و مدیریت واحد تجاری در پیدایش آن‌ها دخالتی نداشته است و در حین انجام فعالیت‌های تجاری ایجاد شده باشند را اقلام تعهدی غیر اختیاری می‌نامیم. دسته‌ای دیگر از اقلام تعهدی که به خاطر انتخاب روش‌های حسابداری، تخصیص‌های اختیاری، تصمیم‌های مدیریتی و قضاوت‌ها و برآوردها به وجود می‌آیند، اختیاری نامیده می‌شود (ودیعی و عظیمی‌فر، ۱۳۹۱).

1 Homes

2. Donald Soon & Davis

۱-۲. مدیریت سود

در عصر بعد از انرون^۱، واژه مدیریت سود به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مسائل در نظر گرفته‌شده و توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. مدیریت سود عبارت است از فرایند انجام اقدامات عمومی در محدوده اصول عمومی پذیرفته‌شده حسابداری که سبب رسیدن به سطح سود موردنظر می‌شود (آلیجفری، ۲۰۰۷). بنابراین مدیریت سود زمان رخ می‌دهد که مدیران در گزارشگری مالی و در سازمان‌دهی معاملات از قضاوت استفاده کرده و گزارش‌های مالی را تغییر دهند به‌گونه‌ای که برخی ذینفعان نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه شوند یا نتایج قراردادهایی را تحت تأثیر قرار دهند که به اعداد حسابداری وابسته است (هالی و والن^۲، ۱۹۹۹). به‌هرحال، مدیریت سود برخلاف تقلب، مستلزم انتخاب رویه‌های حسابداری و برآوردهایی است که مطابق اصول پذیرفته‌شده حسابداری هستند. مدیریت سود عمدتاً به یکی از دو روش زیر صورت می‌گیرد:

تغییر روش حسابداری (مثلاً لایفو به فایفو). به‌کارگیری روش دوم نسبت گران بوده، قابلیت مشاهده داشته و کشف آن توسط حسابرس آسان‌تر می‌باشد. از هر دو روش می‌توان برای افزایش یا کاهش سود استفاده کرد، مشروط بر اینکه پرهزینه نباشد. پژوهش‌های تئوری حسابداری اثباتی مبین آن است که روش‌های حسابداری تعهدی اختیاری به‌عنوان ابزاری برای مدیریت سود مورد استفاده قرار گرفته‌اند. پژوهش‌های گذشته به این نتیجه رسیدند که برای مدیران، انتقال سود بین دوره‌ها از طریق تغییر رویه‌ها پرهزینه‌تر است. به‌ندرت شرکت‌ها رویه‌های حسابداری خود را به‌صورت سالانه تغییر می‌دهند. به‌عنوان مثال، تغییر به روش استهلاك خط مستقیم در یک سال معمولاً با تغییر به روش مانده نزولی مضاعف در سال‌های بعد همراه نیست. در این راستا مدیران انعطاف‌پذیری بیشتری برای تغییر اقلام تعهدی دارند. آن‌ها می‌توانند شناسایی فروش را تسریع کنند یا به تأخیر بیندازند و مخارج تعمیرات را سرمایه‌ای یا هزینه کنند (آلیجفری، ۲۰۰۷).

۱-۳. بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سرمایه

طبق مطالعات انجام‌شده در زمینه کیفیت حسابرسی، در مواقعی که شرکت حسابرسی یک شرکت بزرگ باشد، یا در یک صنعت خاص تخصص داشته باشد و یا دوره فعالیت آن در یک

1. Post-Enron
2. Healy and Wahlen

شرکت (مشتری خدمات حسابرسی) طولانی باشد، میزان ارقام تعهدی اختیاری شرکت کاهش می‌یابد. هدف این پژوهش اثبات این قضیه است که نشان دهد همان‌طوری که مدیران به‌منظور کسب درآمد بیشتر تعهدات بیشتری را تقبل می‌کنند، مشوق‌های مربوط به حقوق صاحبان سهام بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده نیز موجب کاهش این نتایج می‌شوند (هومز و همکاران، ۲۰۱۳). تئوری کلاسیک (آژانس) تأیید می‌کند که هم سو بودن منافع مدیریتی و سهامداران، انگیزه برای ایجاد ارزش را افزایش می‌دهد. با این وجود، جنسن (۲۰۰۵) استدلال می‌کند زمانی که شرکتی دارای ارزش بیش‌ازحد بشود، یعنی قیمت شرکت بیش از ارزش اقتصادی اصلی‌اش بشود، مدیران ترغیب (مایل) به تداوم بخشیدن به ارزش‌گذاری بیش‌ازحد (افراطی) می‌شوند که در اصل با استدلال‌های رناس و کبولا سازگار هستند؛ زیرا شرکت بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده بر اساس عرف، فاقد توانایی عملیاتی (عملکردی) برای دستیابی به سطوح عملکردی است که در قیمت آن انعکاس می‌یابد و مدیران به استفاده از سیاست‌های حسابداری جسورانه (مدیریت سود) برای به حداکثر رساندن سود ترغیب می‌شوند. اگرچه گزینه‌های انتخابی فراوانی برای دستیابی به اهداف مدیریتی سودها وجود دارد، اما ارقام تعهدی، گزینه انتخابی ویژه و جذابی هستند. آن‌ها بخش طبیعی از پروسه مالی هستند و مقادیر آن‌ها مستلزم برآوردها و ارزیابی‌های آینده‌نگرانه می‌باشند که بر اساس آن‌ها مدیران دارای اختیارات قابل‌توجهی هستند. در پژوهشی که اخیراً صورت گرفته است، هومز و اسکانتز (۲۰۱۰) تأیید می‌کنند که انگیزه‌های مربوط به سهام بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده مدیران را به حمایت از ارزش‌گذاری‌های بیش‌ازحد با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری جهت مدیریت بهتر و کارآمدتر درآمدها ترغیب می‌کنند. نتایج نشان می‌دهند که در سال بعد از ارزش‌گذاری و نسبت به سایر شرکت‌ها، شرکت‌های بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده ارقام تعهدی اختیاری بیشتری را گزارش می‌کنند. در بین سایر موارد، آن‌ها نتیجه گرفتند که مدیران و کمیته‌های حسابرسی باید زمانی که شرکت بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده است به‌ویژه نسبت به مدیریت سود حساس باشند. بر اساس این نکات، یافته‌های هومز و اسکانتز (۲۰۱۰) را از طریق بررسی تأثیر ارزش‌گذاری بیش‌ازحد بر روی کیفیت حسابرسی بسط و گسترش می‌دهیم. این پژوهش شواهدی فراهم می‌کند که رابطه معکوس و مستند پیشین بین شرکت‌های بزرگ، شرکت‌های حسابرسی متخصص در صنعت، شرکت‌های حسابرسی با تصدی بلندمدت و ارقام تعهدی اختیاری، زمانی تضعیف می‌شود که شرکت دارای ارزش‌گذاری بیش‌ازحد باشد. پژوهش‌های پیشین اثبات کرده‌اند، حسابرسان بسیار کارآمد و باکیفیت به‌طورکلی ارقام تعهدی را محدود می‌کنند. در مقابل، باوجود این، ارقام تعهدی برای صاحبکاران بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده به لحاظ آماری (آمار

ورقم) از حساب‌رسان بسیار کارآمد زیاد می‌باشد. به‌ویژه، اقلام تعهدی برای صاحبکاران مؤسسات حسابرسی بزرگ، متخصص در صنعت، برای صاحبکارانی افزایش می‌یابد که در سال گذشته دارای بالاترین نسبت قیمت به سود هر سهم در میانه نسبت P/E سال قبل باشند. از این‌رو، تمایل بیش‌ازحد برای شرکت‌های حسابرسی دارای کیفیت بالا جهت کاهش اقلام تعهدی زمانی کاهش می‌یابد که شرکت، بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده باشد. در صورتی‌که ارزش‌گذاری بیش‌ازحد حقوق صاحبان سهام، کیفیت حسابرسی را تضعیف کند در این صورت حساب‌رسان حسابرسی‌های باکیفیت پایین‌تر را در اکثر شرکت‌ها انجام خواهند داد (هومز و همکاران، ۲۰۱۳).

در پژوهش حاضر از نسبت P/E به‌عنوان مبنا برای ارزش‌گذاری بیش از حد حقوق صاحبان سهام استفاده شده است. استفاده از مبنای فوق نشانگر این است که قیمت‌ها سبب پیشبرد سود است. نسبت P/E بالا در شرکت‌ها، نشان‌دهنده خوش‌بینی بازار نسبت به رشد شرکت در آینده هست. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران با تصور عملکرد بهتر شرکت در آینده، اقدام به ارزشیابی بالای سهام و سرمایه‌گذاری می‌نمایند. نسبت P/E یکی از کاربردی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نسبت‌ها در علم مدیریت مالی است که می‌تواند به افراد در جهت تعیین اینکه ارزش یک شرکت بالا و یا پایین است کمک نماید (همان منبع).

۱-۴. هیئت مدیره

مدیران غیرموظف در گذشته، نقش برجسته‌ای در حاکمیت شرکتی ایفا نمی‌کردند، به هر حال از زمان انتشار گزارش کادبری در سال ۱۹۹۲ آنها به‌عنوان اعضای کلیدی هیئت مدیره اهمیت فزاینده‌ای پیدا کردند. در حال حاضر، مدیران غیرموظف برای ارتقای اثربخشی هیئت مدیره و منبع اطمینان سرمایه‌گذاری، جزء ضروری به شمار می‌آیند. به عقیده فاما و جنسن (۱۹۸۳) مدیران غیرموظف به تفکیک تصمیمات مدیریت و کنترل کمک می‌کنند و هنگامی‌که محدودیت‌های خارجی بر رفتار مدیران اجرایی ضعیف است، مکانیزم حاکمیت خوبی به شمار می‌روند. استقلال هیئت مدیره غیرموظف، می‌تواند فشار اعضای داخلی را کم کرده، به‌طور مثبتی بر معیارهای عملکرد شرکت اثر بگذارند. حضور اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره، قدرت هیأت مدیره را به عنوان مکانیزم کنترل افزایش می‌دهد. سرانجام، مدیران غیرموظف با احتمال کمتری با مدیریت در سلب مالکیت سهامداران تبانی می‌کنند. آنها داورانی هستند که مدیریت ارشد را بازنگری می‌کنند و در صورت لزوم افراد مؤثرتری را جانشین مدیریت می‌کنند (فرزین‌وش و همکاران، ۱۳۹۶).

۴. پیشینه تحقیق

۴-۱. تحقیقات خارجی

۱. روسا^۱ و همکاران (۲۰۲۳). تأثیر مالکیت نهادی بر هزینه حقوق صاحبان سهام با تأکید بر مدیریت سود تعهدی را مورد بررسی قرار دادند. ایشان ۲۴۹ شرکت اروپایی را انتخاب و داده‌های این شرکتها را در بازه ۲۰۰۵ الی ۲۰۱۲ مورد مطالعه قرار دادند. نتایج نهایی نشان داد که بین مالکیت نهادی و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه منفی وجود دارد و مدیریت سود این رابطه را تعدیل نمی‌کند.

۲. کومالا^۲ و همکاران (۲۰۲۲). ارتباط بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مالکیت خانوادگی و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. ایشان شرکت‌های بورسی در مالزی را در صنعت استخراج معادن در طی سال‌های ۲۰۱۲ الی ۲۰۱۴ که بالغ بر ۱۰۵ شرکت* سال بود، مورد مطالعه قرار دادند. شواهد حاکی از ارتباط منفی بین افشای مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) و مدیریت سود بود. نویسندگان همچنین نقش مستقیم و تعدیل‌کننده مالکیت خانواده را بررسی نمودند. ایشان رابطه مثبتی بین مالکیت خانواده و مدیریت سود پیدا کردند. علاوه بر این، مالکیت خانواده ارتباط منفی بین CSR و مدیریت درآمد را تقویت می‌کند.

۳. حداداد^۳ و همکاران (۲۰۱۹). در پژوهشی اقدام به بررسی ارتباط بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی با مدیریت سود واقعی و تعهدی پرداختند. ایشان در این تحقیق از ۱۰۸ شرکت دولتی اردن که سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ را پوشش می‌دهند، استفاده نمودند. فرضیه‌ها را نیز با استفاده از مدل‌های رگرسیون OLS تلفیقی آزمون نمودند. ایشان دریافتند که مالکیت نهادی و مدیریتی استفاده از REM و AEM را محدود می‌کند؛ اما به نظر نمی‌رسد که مالکیت خارجی تأثیر مهمی بر انواع مدیریت سود داشته باشد. آن‌ها همچنین دریافتند که مدیران از REM و AEM به‌طور مشترک استفاده می‌کنند تا بیشترین سود را بدست آورند.

۴. لیو و لی^۴ (۲۰۱۹). در پژوهشی اقدام به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اجتناب از مالیات و مدیریت سود در نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های چینی پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که CSR بارانمایی دولت می‌تواند در کاهش مدیریت سود شرکت‌ها و جلوگیری از اجتناب مالیات مؤثر باشد، حتی اگر این اثر محدود به شرکت‌های دولتی باشد.

1. Rosa

2. Kumala

3. Haddad

4. Liu & Lee

۵. بزنیچ^۱ و همکاران (۲۰۱۹). در پژوهشی رابطه بین مدیریت سود و کارایی سرمایه‌گذاری را مورد مطالعه قرار دادند. این مطالعه بر اساس نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته‌شده فرانسوی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، یعنی ۴۳۵ مشاهدات در سال شرکت انجام شده است. ایشان از روش متغیر ابزاری بر اساس مدل‌های 2SLS استفاده کرده‌اند. نویسندگان نشان دادند که بین مدیریت سود و کارایی سرمایه‌گذاری رابطه منفی وجود دارد. این یافته از دیدگاه تئوریک نظریه آژانس پشتیبانی می‌کند، زیرا تمایل بنگاه‌ها به مشارکت در شیوه‌های مدیریت سود با رفتار فرصت‌طلبانه مدیریتی بالا و مسائل مربوط به اطلاعات نامتقارن همراه است. این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که اندازه هیئت‌مدیره، استقلال و تنوع جنسیتی با کارایی سرمایه‌گذاری رابطه مثبت دارد.

۴-۲. تحقیقات داخلی

۱. میرنیا و همکاران (۱۳۹۹). تأثیر بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی را در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند و نتیجه گرفتند که شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرس باکیفیت بالاتر در مقایسه با شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرس باکیفیت پایین‌تر، دارای ضریب پایداری اقلام تعهدی بیشتری بوده و در نتیجه قابلیت اتکای اقلام تعهدی بالایی دارند.

۲. محبوبی و مرادنیا (۱۳۹۹). تخصص فنی حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری را موردسنجش قرار دادند و نتیجه گرفتند که شرکت‌هایی که حسابرس آن‌ها متخصص در صنعت است دارای سطح مدیریت اقلام تعهدی اختیاری پایین‌تری می‌باشند.

۳. امان الهی و معدنچی (۱۳۹۹). نقش اقلام تعهدی در سودآوری و سود سهام شرکت‌ها را موردبررسی قرار دادند. نتیجه حاصل از فرضیه اول مبنی بر اینکه واکنش بازار به اعلام افزایش سود سهام، مثبت می‌باشد که حاکی از وجود ارتباط مستقیم و معنادار بین متغیرها می‌باشد؛ و همچنین نتایج حاصل از فرضیه سوم مبنی بر اینکه اقلام تعهدی مثبت شرکت‌ها همبستگی مثبتی با سودآوری آتی شرکت‌ها دارد تأیید شد، در فرضیه دوم یافته‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌یک از معیارهای اقلام تعهدی تحت تأثیر افزایش سود تقسیمی شرکت‌ها نبوده‌اند، یافته مذکور در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

۴. ایمانی برندق و هاشمی (۱۳۹۸). تأثیر عوامل سیاسی بر مدیریت سود را موردبررسی قرار دادند. به این ترتیب، شرکت‌های نمونه به دو گروه شرکت‌های وابسته و غیر وابسته سیاسی

تفکیک شده و به صورت جداگانه در دو دوره سیاسی مذکور از نظر مدیریت سود با استفاده از آزمون مقایسه زوج‌ها مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مدیریت سود انجام شده در دوره‌های مختلف سیاسی تفاوت معنی‌داری باهم داشته است یعنی مدیریت سود در ایران می‌تواند از عوامل سیاسی تأثیر بپذیرد.

۵. حسنی و عظیم زاده (۱۳۹۷). رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی: شواهدی از ضعف سودآوری و ضعف نقدینگی را مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری غربال شده پژوهش طبق الگوی حذفی سامانمند شامل تعداد ۲۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ است. طبق شواهد پژوهش، بین مدیریت سود تعهدی و کیفیت حسابرسی رابطه معنی‌دار و منفی برقرار است. در عین حال، رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی در شرایط ضعف سودآوری و ضعف نقدینگی، همچنان معنی‌دار و منفی است. این یافته‌ها شواهدی ارائه داد مبنی بر این که شرکت‌های درگیر بحران مالی که توسط حسابرس بزرگ حسابرسی شده‌اند، مدیریت سود کمتری داشته‌اند. شواهد نشان داد اندازه، نسبت سودآوری عملیاتی و نسبت بدهی اثر معنی‌دار و مثبتی بر مدیریت سود تعهدی دارند؛ اما نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و نسبت جریان نقد عملیاتی اثر معنی‌دار و منفی بر مدیریت سود تعهدی دارند.

۵. فرضیات پژوهش

فرضیه اصلی اول: بین بیش ارزشگذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: اندازه هیئت مدیره بر رابطه بین بیش ارزشگذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود تأثیر معنادار وجود دارد.

۶. روش تحقیق

۶-۱. ابزارهای مورد استفاده در تحقیق

اطلاعات مورد نیاز با توجه به ماهیت تحقیق مبانی نظری به روش کتابخانه‌ای و داده‌های مورد نیاز این پژوهش از صورتهای مالی حسابرسی شده و سایر گزارشات مالی شرکت‌هایی عضو نمونه از منابع زیر جمع‌آوری می‌شود:

۱. بانک اطلاعاتی ره آورد نوین.

۲. بانک اطلاعاتی جامع شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، از طریق سایت اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران.
۳. صورتهای مالی حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته شده از طریق سایت کدال.

۶-۲. روش مورد استفاده در تحقیق

این تحقیق از نظر هدف از نوع کاربردی است و از لحاظ رویکرد انجام تحقیق از نوع نیمه تجربی، از لحاظ ماهیت تحقیق از نوع اصیل، از لحاظ ماهیت داده ها از نوع کمی، از لحاظ روش شناخت از نوع توصیفی-همبستگی، از لحاظ نوع استدلال از نوع قیاسی-استقرایی، از لحاظ بعد زمان از نوع پس رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته)، از لحاظ جمع آوری اطلاعات از نوع کتابخانه ای و از لحاظ تئوری در حوزه پژوهش های اثباتی می باشد.

۷. جامعه و نمونه آماری

۷-۱. جامعه آماری تحقیق

باتوجه به موضوع پژوهش حاضر، جامعه‌ی آماری مورد بررسی در این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و دوره‌ی مورد تحقیق نیز سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ می‌باشد.

۷-۲. نمونه آماری و تعیین حجم نمونه (کفایت آماری داده ها)

به‌علت گستردگی حجم جامعه آماری و وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضاء جامعه، برای گزینش نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده می‌گردد و جهت انتخاب بعنوان نمونه آماری باید حایز معیارهای زیر باشند:

- سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد. (به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه).
- پایان سال مالی شرکت باید پایان اسفند بوده و در طول سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ تغییر سال مالی نداده باشد.
- جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکتهای سرمایه‌گذاری، واسطه‌گرهای مالی، شرکت‌های لیزینگ) نباشد.
- اطلاعات مالی مورد نیاز به ویژه یاداشتهای همراه صورتهای مالی به منظور استخراج دادهای مورد نیاز در دسترس باشد.
- طی سال‌های مالی مذکور زیان ده نباشد.

۸. یافته های پژوهش

نتایج برآورد نهایی فرضیه اول:

فرضیه اول، رابطه بین بیش ارزشگذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود را موردبررسی قرار می‌دهد ازاین‌رو می‌توان فرضیه اول را به‌صورت زیر نوشت:

فرض صفر: بین رابطه بین بیش ارزشگذاری بالای حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود رابطه معنادار وجود ندارد.

فرض مقابل: بین رابطه بین بیش ارزشگذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۱: تخمین نهایی مدل رگرسیونی اول

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره z	سطح معناداری
ارزش‌گذاری بالای سهام	۰,۶۸۷	۰,۰۱۲	۵۶,۲۹	۰,۰۰۰
اقدام تعهدی کل	-۰,۰۰۴	۰,۰۰۲	-۱,۵۹	۰,۱۱۳
اندازه شرکت	۰,۰۰۲	۰,۰۰۱	۲,۴۵	۰,۰۱۴
اهرم مالی	-۰,۱۰۸	۰,۰۰۹	-۱۲,۰۷	۰,۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	۰,۸۳۵	۰,۰۱۴	۵۷,۱۹	۰,۰۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰,۰۰۴	۰,۰۰۷	-۰,۶۰	۰,۵۵۱
عرض از مبدأ	۰,۰۳۷	۰,۰۱۷	۲,۱۷	۰,۰۰۰
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
۰,۴۷۱۷				ضریب تعیین تعدیل‌شده
(۰,۰۰۰)۷۰۰,۸۹				آماره والد و معناداری آن

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون فرضیه اول: متغیر ارزش‌گذاری بالای سهام دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد ازاین‌رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد و فرضیه اول مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

قدرت برازش مدل: ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۴۷ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۴۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۷۰۰/۸۹ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

تحلیل مالی: همان‌طور که مشاهده شد، بین بیش ارزش‌گذاری سهام و مدیریت سود تعهدی رابطه مستقیم وجود دارد. از این رو می‌توان گفت که شرکت‌هایی که سهام آن‌ها به‌طور غیرواقعی (حبابی) بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده‌اند، مدیران این شرکتها برای برآورده ساختن انتظارات سهامداران (سرمایه‌گذاران) از طریق اقلام تعهدی اختیاری اقدام به مدیریت سود می‌نمایند.

فرضیه اصلی دوم:

اندازه هیئت مدیره بر رابطه بین ارزش‌گذاری بالای حقوق صاحبان سهام و مدیریت سود تأثیر معنادار وجود دارد.

جدول ۲: تخمین نهایی مدل رگرسیونی سوم

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره z	سطح معناداری
ارزش‌گذاری بالای سهام	۰,۶۸۹	۰,۰۱۳	۵۱,۴۵	۰,۰۰۰
اندازه هیئت مدیره	-۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۰۹	-۰,۰۰۴	۰,۹۶۷
ارزش‌گذاری بالای سهام* اندازه هیئت مدیره	-۰,۰۰۲۱	۰,۰۰۰۹	-۲,۴۲	۰,۰۱۵
اقلام تعهدی کل	-۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۰۳	-۱,۲۴	۰,۲۱۶
اندازه شرکت	۰,۰۰۱	۰,۰۰۱	۱,۵۳	۰,۰۱۲۶
اهرم مالی	-۰,۰۰۹۴	۰,۰۰۰۹	-۹,۸۴	۰,۰۰۰
جریان نقد عملیاتی	۰,۸۵۲	۰,۰۱۵	۵۵,۲۵	۰,۰۰۰
بازده دارایی‌ها	-۰,۰۰۰۷	۰,۰۰۰۷	-۰,۹۳	۰,۳۵۲
عرض از مبدأ	۰,۰۳۹	۰,۰۲۰	۱,۹۱	۰,۰۵۶
سایر آماره‌های اطلاعاتی				
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰,۸۸۶۱			
آماره والد و معناداری آن	(۰,۰۰۰) ۶۷۰۰,۳۷			

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون فرضیه دوم: متغیر ارزش‌گذاری بالای سهام دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این‌رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد همچنین متغیر نشانگر اثر تعاملی (ارزش‌گذاری بالای سهام* اندازه هیئت مدیره) دارای ضریب ۰/۰۲۱- می‌باشد که معنادار است. به‌طور کلی می‌توان گفت که حضور اندازه هیئت مدیره باعث نظارت بیشتر بر عملیات شرکت شده و ارتباط مستقیم بین بیش ارزش‌گذاری و مدیریت سود از عدد ۰/۶۸۹ به عدد ۰/۰۲۱ کاهش یافته است از این‌رو اندازه هیئت مدیره نقش تعدیل گر را ایفا می‌کند و می‌توان گفت اندازه هیئت مدیره بر ارتباط بین ارزش‌گذاری بالای حقوق صاحبان سهام و مدیریت سود تأثیر معکوس و معنادار دارد.

قدرت برازش مدل: ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۸۸ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۸۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۶۷۰۰/۳۷ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این‌رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

تحلیل مالی: همان‌طور که مشاهده شد، بین بیش ارزش‌گذاری سهام و مدیریت سود تعهدی رابطه مستقیم وجود دارد. از این‌رو می‌توان گفت که شرکت‌هایی که سهام آن‌ها به‌طور غیرواقعی (حبابی) بیش‌ازحد ارزش‌گذاری شده‌اند، مدیران این شرکتها برای برآورده ساختن انتظارات سهامداران (سرمایه‌گذاران) از طریق اقلام تعهدی اختیاری اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. از طرفی اندازه هیئت مدیره به‌عنوان یکی از عامل‌های نظارت بر عملکرد شرکت، با حضور خود باعث کاهش میزان تأثیر ارزش‌گذاری بالای حقوق صاحبان سهام بر مدیریت سود می‌شوند.

به طور کلی خلاصه نتایج آزمون فرضیات را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

جدول ۳: خلاصه نتایج آزمون فرضیات

نتیجه	فرضیه	
تایید	بین بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود رابطه معنی داری وجود دارد	فرضیه اول
تایید	اندازه هیئت مدیره بر ارتباط بین بیش ارزش‌گذاری حقوق صاحبان سرمایه و مدیریت سود تأثیر دارد.	فرضیه دوم

منبع: یافته‌های تحقیق

۹. خلاصه تحقیق

جهت آزمون فرضیه‌ها یک مدل رگرسیونی چند متغیره بر اساس اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۴ لغایت ۱۳۹۹ برآزش داده شد؛ این تحقیق از نظر هدف، تحقیقی کاربردی و در زمره تحقیقات توصیفی-همبستگی حسابداری به شمار می‌رود. متغیرهای مورد مطالعه از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران و در مواردی نیز با استفاده از نرم‌افزارهای اطلاعاتی ره‌آورد نوین و وب سایت‌های مرتبط با بورس اوراق بهادار تهران که شامل داده‌های بازار سرمایه‌ای تهران می‌باشند، گردآوری می‌گردد.

اطلاعات ۱۴۹ شرکت پس از بررسی همه‌جانبه از جنبه در دسترس بودن اطلاعات آن‌ها پس از جمع‌آوری، پردازش‌شده و توسط روش‌های آمار توصیفی مناسب و همچنین روش‌های آماری استنباطی جهت تشخیص نوع داده‌های ترکیبی و با استفاده از نرم‌افزار آماری STATA نسخه ۱۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحقیق حاضر از نظر هدف، تحقیقی کاربردی محسوب می‌شود. این تحقیق در زمره تحقیقات توصیفی به شمار می‌رود. علاوه بر این با توجه به اینکه از اطلاعات تاریخی در آزمون فرضیه‌ها (همبستگی ارتباط بین متغیرها) استفاده شده است، با در نظر گرفتن ماهیت و روشی که در این مطالعه استفاده می‌شود، نوعی تحقیق توصیفی-همبستگی به شمار می‌رود. از این‌رو به‌طور خلاصه می‌توان بیان نمود تحقیق حاضر، از بعد فرآیند، تحقیقی کمی، از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات، توصیفی-همبستگی و از بعد منطقی، یک تحقیق استقرایی است.

در جمع‌آوری ادبیات نظری و مفاهیم تئوریک، از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. در این روش بر اساس محتوای پایان‌نامه‌ها، مقالات، گزارش‌های علمی، محتوای وب سایت‌های علمی که به نمایه مقالات، مجلات علمی و پژوهشی و مقالات کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی می‌پردازند، در بررسی و تدوین ادبیات موضوع استفاده شد. در جمع‌آوری داده‌های مربوط به آزمون فرضیه‌ها، به‌منظور تحقق اهداف و درنهایت پاسخ‌گویی به سؤال‌های مطرح‌شده و پیشروی این تحقیق، با توجه به مدل‌های تدوین‌شده و متغیرهای مورد مطالعه از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران و در مواردی نیز با استفاده از نرم‌افزارهای اطلاعاتی ره‌آورد نوین و وب سایت‌های مرتبط با بورس اوراق بهادار تهران که در بردارند داده‌های بازار سرمایه‌ای تهران می‌باشند، گردآوری‌شده است. ابتدا با آزمون توصیفی، توزیع متغیرها با سه شاخص مرکزی، پراکندگی و توزیعی در جامعه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته. سپس برای بررسی رابطه بین متغیرها از رگرسیون چند متغیر استفاده شد درواقع تحلیل رگرسیونی فن و تکنیکی آماری برای بررسی و مدل‌سازی ارتباط بین متغیرها می‌باشد.

۱۰. پیشنهادات

۱۰-۱. پیشنهادات منتج از فرضیه‌ها

۱. مطابق با نتایج فرضیه اول، مهم‌ترین علت پدیده اضافه ارزشیابی، عدم تقارن اطلاعاتی است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی با الزامات قانونی و استاندارد گذاری، شرکتها را به افشای کافی و ارائه اطلاعات کامل و شفاف برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و ارزیابی آنها از عملکرد شرکت ملزم نمایند و تا حد امکان از اختیارات مدیران برای مدیریت کردن سودها بکاهند.
۲. مطابق با نتایج فرضیه اول، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران بازار سرمایه، پیشنهاد می‌شود که هنگام ارزیابی سهام شرکتها به‌دقت صورت‌های مالی آنها را بررسی کنند و تمامی جوانب شرکت‌ها را همچون پدیده‌های اضافه ارزشیابی و مدیریت سود مدنظر قرار دهند و از معاملات ذهنی بر پایه باور دیگر سرمایه‌گذاران، خودداری کنند.

۱۱. محدودیت‌های پژوهش

یکی از برجسته‌ترین محدودیت‌های تحقیقاتی که بر پایه آمار استنباطی انجام می‌گردد؛ تعمیم نتایج حاصل از آن‌ها به‌کل جامعه آماری در شرایط زمانی و مکانی مختلف می‌باشد؛ بنابراین در تعمیم نتایج این پژوهش و به‌کارگیری عملی این نتایج نیز باید جانب احتیاط رعایت گردد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر، عدم کنترل برخی عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش از جمله تأثیر متغیرهایی چون، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی و عوامل اقتصادی و... بوده که خارج از دسترس محقق می‌باشد و ممکن است بر نتایج پژوهش تأثیر داشته باشد.

منابع

۱. احمدپور، احمد و منتظری، هادی (۱۳۹۰). نوع مدیریت سود و تاثیر اندازه شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر آن، پیشرفت های حسابداری (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، دوره ۳، شماره ۲ (پیاپی ۶۱/۳)، ص ۱-۳۵.
۲. اعتمادی، حسین، آذر، عادل و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۹). بررسی نقش تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد واقعی عملیاتی آتی. مجله دانش حسابداری، شماره ۱، ص ۲۸-۸.
۳. افلاطونی، عباس (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با ای ویوز، انتشارات ترمه، تهران.
۴. ایزدی‌نیا، ناصر و میرزائی، مهدی، (۱۳۹۳). تاثیر ارزشگذاری بالای سهام بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و اقلام تعهدی اختیاری، مطالعات تجربی حسابداری مالی، مقاله ۴، دوره ۱۲، شماره ۴۵، ص ۳۱-۸۰.
۵. ایمانی‌برندق، محمد و هاشمی، طاهر، (۱۳۹۷). بررسی تاثیر عوامل سیاسی بر مدیریت سود، دانش حسابرسی، دوره ۱۸، شماره ۷۱، ص ۷۷-۹۰.
۶. آقایی، محمد علی و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۱). تخصص حسابرس در صنعت و اقلام تعهدی اختیاری. مجله دانش حسابداری، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ص ۱۷-۴.
۷. باباجانی، جعفر و عیدی، مجید (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکتها، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی. سال دوم. شماره سوم. ص ۶۵-۸۶.
۸. بت شکن، محمد هاشم و رهبری خرازی، مهسا (۱۳۸۸). میزان رعایت حقوق سهام داران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش های مدیریت راهبردی، سال شانزدهم، شماره ۴۲.
۹. پاک مرام، عسگر (۱۳۹۶). تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود در زمان عرضه اولیه سهام، دانش حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۸، ص ۲۱۹-۲۳۸.
۱۰. جهرومی، مهتاب (۱۳۹۰). شفافیت شرکتها و اجتناب از مالیات. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
۱۱. حساسی‌گانه، یحیی و کاوه، آذین فر (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، ص ۸۵-۹۸.

۱۲. حساس‌یگانه، یحیی، ولی‌زاده لاریجانی، اعظم و محمدی، امیر (۱۳۹۱). بررسی تأثیر تخصص حسابرس بر گزارشگری مالی و واکنش بازار سرمایه، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۹، ص ۴۳-۶۴.
۱۳. حساس‌یگانه، یحیی و حسنی، محمد و کاشانیان، شیوا (۱۳۹۰). حاکمیت شرکتی منافع چه کسانی را باید تامین کند؟، ماهنامه حسابداری، سال بیست و هفتم، شماره سوم، پیاپی (۲۴۰).
۱۴. حسنی، محمد، عظیم‌زاده، نفیسه. (۱۳۹۶). رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی: شواهدی از ضعف سودآوری و ضعف نقدینگی، پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی، ۱(۱)، ۱۳۹-۱۶۸.
۱۵. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۷). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، چاپ هشتم، انتشارات بازتاب.
۱۶. خانی، عبدالله و ایمانی، کریم و ملایی، مهنام (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی سال سیزدهم تابستان ۱۳۹۲ شماره ۵۱.
۱۷. خدادادی، ولی، جان‌جانی، رضا (۱۳۹۰). بررسی رابطه مدیریت سود و سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۱)، ۷۷-۹۶.
۱۸. خدای‌پور، احمد و امینی‌نیا، میثم (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه، پژوهشنامه مالیات، شماره نوزدهم (مسلسل ۶۷).
۱۹. خوش‌طینت، محسن و نادى قمی، ولی اله (۱۳۸۸). چارچوب رابطه رفتار اطمینان بیش از حد سرمایه‌گذاران با بازده سهام، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۵.
۲۰. دیدار، حمزه و منصورفر، غلامرضا و کفعمی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. دوره ۲۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ۴۳۰-۴۰۹.
۲۱. رامشه، منیژه و ملانظری، مهناز (۱۳۹۳). بیش اعتمادی مدیریت و محافظه کاری حسابداری، مجله دانش حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۶.

۲۲. رحمانی، علی و محمدی اروجه، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی موانع تشکیل موسسات حسابرسی بزرگ در ایران، دانش حسابرسی، سال یازدهم، شماره ۴۵، زمستان، ص ۸۷-۸۲.
۲۳. رضازاده، جواد و کمال زارعی مروج (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر تغییر حسابرسان شرکتهای ایرانی، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۰، ص ۸۹-۱۰۵.
۲۴. زنگنه، سمیه، کارگر، حامد (۱۳۹۷). تأثیر سطوح مختلف اهرم مالی بر ارتباط بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و عملکرد شرکت، چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۱(۴)، ۱۹-۳۱.
۲۵. سرمدو همکاران (۱۳۸۶). روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران، نشر آگاه.
۲۶. شمس، مینا، فولادی، مسعود، فرهادی، مریم (۱۳۹۵). تأثیر استقلال هیأت مدیره و کیفیت حسابرسان بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری، ۳(۱۰)، ۸۰-۶۱.
۲۷. شهر آبادی، ابوالفضل و راحله یوسفی (۱۳۸۶). مقدمه ای بر مالیه رفتاری، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۶۹، ص ۳۳.
۲۸. شهیکی تاش، محمد نبی، کاظمی، مهدی و امینی، موسی (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت با رویکرد پانل دیتا، مجله اقتصادی - دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست های اقتصادی، شماره های ۹ و ۱۰، ص ۲۴-۵.
۲۹. شیرزاد، علی، ریحانه حقیقی و ندا پورغلامرضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اندازه شرکت بر مدیریت سود، پنجمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت، تهران، شرکت خدمات برتر.
۳۰. طالبی، علی رضا (۱۳۸۷). از فرضیه کارا تا مالیه رفتاری، مجله بورس، شماره ۷۱.
31. Ahmed, A, S and DUELLMAN (2013) "Accounting Conservatism and Board of Director".
32. Alastair Lawrence, Miguel Minutti-Meza, and Ping Zhang (2011). Can Big 4 versus Non-Big 4 DIFFERENCES IN Audit-Quality Proxies Be Attributed to Client Characteristics? The Accounting Review 86(1), 259.
33. Al-Haddad, L. and Whittington, M. (2019), "The impact of corporate governance mechanisms on real and accrual earnings management practices: evidence from Jordan", Corporate Governance, Vol. 19 No. 6, pp. 1167-1186.

34. Aljifri, K (2007). "Measurement and Motivations of Earnings Management: A Critical Perspective." *Journal of Accounting – Business & Management* Vol. 14, PP. 75-95.
35. Armstrong, S, C. Blouin, L, J. Larker, F.D. (2012). The Incentives for Tax Planning. *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 53, pp. 391-411.
36. Balakrishnan, K., Blouin, J. & Guay, W (2012), Does Tax Aggressiveness Reduce Corporate Transparency? Working Paper, University of Pennsylvania
37. Balsam, S., Krishnan, J., Yang, J.S (2003) Auditor Industry Specialization and Earnings Quality. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, pp. 22-2
38. Bankman, J (2004) An Academic's View of the Tax Shelter Battle. In: Aaron, H, Slemrod, J. (Eds.), *the Crisis in Tax Administration*. Brookings Institution, Washington, D.C.
39. Bauwhede HV, Marleen Willekens(2004). Evidence on (the lack of) Audit quality. *Differentiation in the Private Client Segment of the Belgian Audit Market; European Accounting Review*; pp 501 – 522.
40. Ben-David, I, Graham. J and Harvey, C (2006) "Managerial Overconfidence and Corporate Policies", *NBER Working paper*, NO. 13711.
41. Biddle, G. & Hilary, G (2006). Accounting Quality and Firm-level Investment, *The Accounting Review*, 81.
42. Bzeouich, B., Lakhal, F. and Dammak, N. (2019), "Earnings management and corporate investment efficiency: does the board of directors matter?", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. 17 No. 4, pp. 650-670.
43. Campbell, R. D. (2002). Shareholder wealth effects in equity REIT restructuring transactions: Sell-offs, mergers and joint ventures. *Journal of Real Estate Literature*, 10, 205-222.
44. Chen, S, Chen, X, Cheng, Q & Shevlin, T (2010). Are family firms more tax aggressive then non-family firms? *Journal of Financial Economics*, vol. 95, pp. 41-61.
45. Chen, Y.Hsu, J(2009).Auditor Size, Auditor Quality, and Auditor Fee Premiums: Further Evidence from the public Accounting Profession.SSRN Working paper Series.

-
46. Chung, R., Firth, M., Kim, J (2002). Institutional Monitoring and Opportunistic Earnings Management. *Journal of Corporate Finance*-pp. 29-48.
 47. Chuntao Li, Frank M Song, Sonid ML Wong (2007). Audit Firm Size and Perception of Audit Quality: Evidences from a competitive Audit market in china; pp1-17.
 48. Chyz, James and Gaertner, Fabio B. and Kausar, Asad and Watson, Luke, Overconfidence and Corporate Tax Policy (October 2015). Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2408236>
 49. Crithian Mellado-Cid, Surendranath R. Jory, Thanh Ngo, (2017), "Real Earnings Management Activities prior to Bond Issuance", *BRQ Business Research Quarterly*, Vol. 20, Issue. 3, PP. 164-177.
 50. Crithian Mellado-Cid, Surendranath R. Jory, Thanh Ngo, (2017), "Real Earnings Management Activities prior to Bond Issuance", *BRQ Business Research Quarterly*, Vol. 20, Issue. 3, PP. 164-177.
 51. David M. Drukker (2003). Testing for serial correlation in linear panel-data models, *The Stata Journal*, Number 2, pp. 168-177